

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه

علیرضا کریمی^۱ مقصودعلی صادقی^۲ علی منوچهری^۳

(دریافت: ۱۳۹۷/۷/۵ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰)

چکیده

افکار عمومی مفهومی مدرن و برخاسته از عصر روشنگری و بعد از آن است. اگرچه این مفهوم به معنای امروزی آن تا عصر روشنگری مصطلح نبوده و بررسی علمی نشده است؛ اما قبل از آن نیز وجود داشته و دارای کاربردهای چندوجهی بوده است. مصطلح شدن این مفهوم و سپس بررسی علمی آن برخاسته از بطن جوامع غربی در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی است و کاربرد آن برای جامعه ایران در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی شاید دور از واقعیت و خلاف شرایط آن دوره از حیات تاریخی ایران باشد؛ اما با کمی تأمل در این مفهوم همراه با معنا و کاربرست آن در حیات اجتماعی جوامع اروپایی، می‌توان وجود آن را در ادوار پیشین تاریخ ایران، از جمله ایران عصر صفوی مشاهده کرد. از منظر تاریخی در این پژوهش بر دوره صفویه تأکید شده است. بعد از قدرت‌یابی شاه اسماعیل، می‌توان نشانه‌هایی از انسجام سیاسی - اجتماعی چون شکل‌گیری قدرت مرکزی و هویت ملی را بر پایه ایدئولوژی مذهبی در ایران مشاهده کرد که می‌توان از آن‌ها به مثابه اصول زیربنایی شکل‌گیری افکار عمومی نام برد. در این مقاله، منظور از افکار عمومی، حوزه عموم یا مردمی است که در جامعه زندگی می‌کرده‌اند. این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با ابتدا بر منابع کتابخانه‌ای قصد آن دارد تا به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه بپردازد. از منظر این تحقیق در بستر اجتماعی دوره صفویه با پیدایش قهوه‌خانه‌ها، محافلی برای شکل‌گیری نوعی افکار

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول).

*ali-karimi@tabrizu.ac.ir

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس.

۳. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تبریز

عمومی به وجود آمد. علاوه بر این، حکومت صفویه برای جلب توجه افکار عمومی در مکان‌هایی چون میدان‌ها و مساجد نیز به نمایش و بازنمایی قدرت خود می‌پرداخت.

واژه‌های کلیدی: افکار عمومی، حوزه عمومی، صفویه، مردم، حکومت.

مقدمه

فرایند افکار عمومی که تا قبل از قرن ۱۸ کم‌تر به آن توجه شده، در تمدن‌های باستان، شماری از آثار باستانی بر جای مانده که حاکی از شکل‌گیری ابتدایی این پدیده بوده است، در قالب سنگ‌نوشته‌ها، نگارش قوانین و فرامین و... بوده که در میدانی شهرها نصب شده و تمام این موارد همگی نشان‌دهنده توجه حاکمان وقت به ایجاد آگاهی لازم بین مردم و مشارکت آن‌ها برای ایجاد مشروعیت حکومت خود بوده است. همچنین، از سویی دیگر برخی از ریشه‌های افکار عمومی را هم‌زمان با شکل‌گیری مباحث اجتماعی شدن انسان در اندیشه فلاسفه یونان باستان می‌توان در قالب اندیشه‌های فلسفی، تاریخی و... یافت. اگرچه اصطلاح افکار عمومی پدیده‌ای مدرن و امروزی به‌شمار می‌آید؛ اما به معنای عدم وجود آن تا قبل از این دوره نیست. در اینجا مراد از افکار عمومی دیدگاه توده وسیع مردم یک جامعه نسبت به پدیده‌ای خاص و ازجمله حکومت هستند. دوره صفویه یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران محسوب می‌شود که شرایط تاریخی شکل‌گرفته در آن مقطع، شالوده و بنیان تحولات تاریخی کشور حتی تا دوران حاضر را به‌خود اختصاص داده است. یکی از این شرایط، پیدایش زمینه‌های شکل‌گیری نوعی جدید از افکار عمومی در جامعه ایران عصر صفوی است. پرداختن به این موضوع از منظر تاریخی مورد توجه پژوهشگران واقع نشده است. این امر شاید ناشی از این مسئله باشد که چون افکار عمومی، مفهومی برآمده از دوران مدرن است و کاربرد آن برای دوره‌های تاریخی ماقبل مدرن که مردم دارای جایگاه امروزی خود در نظام‌های سیاسی نبوده‌اند، صحیح و به‌جا نیست. در ایران درباره رویکردهای حکومت‌های ماقبل مدرن و شکل‌گیری افکار عمومی در آن‌ها پژوهش زیادی صورت نگرفته است. پژوهش‌های صورت‌گرفته نیز مربوط به این سه دهه اخیر است که آن هم از منظر کارکرد رسانه‌هایی مانند روزنامه، تلویزیون، سینما و... به آن پرداخته شده است. بیش‌تر آثار چاپ‌شده در این زمینه یا ترجمه آثار غربی است مانند کتاب *افکار عمومی ژودیت لازار* یا کتاب *مبانی نظری شناخت افکار عمومی* تألیف محمد رضایی یزدی که آن نیز برگرفته از آثار غربی است. این پژوهش در تلاش است با استفاده از

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

منابع تاریخی و کتابخانه‌ای بتواند زمینه‌های مورد اشاره را تجزیه و تحلیل کند. در اینجا ما ابتدا به بررسی مفهوم افکار عمومی و سپس سیر تاریخی - تطبیقی شکل‌گیری آن و پیدایش زمینه‌های شکل‌گیری آن در ایران عصر صفوی خواهیم پرداخت.

مفهوم افکار عمومی^۱

واژه افکار در اصل «doxa» (به معنای نظر) بوده است. مفهوم مخالف عقل. افلاطون نظر را جدا از علم و اندیشه استدلالی می‌دانست. علم و اندیشه عقلانی در ذهن او صورت‌های متعالی شناخت بوده‌اند. نظرباور است و حتی اگر اتفاقاً حقیقت داشته باشد، باز هم نظر است؛ یعنی دانش نیست. در قرن هفدهم، واژه نظر به دو معنای مشخص اشاره داشته است. از سویی، رنگ قضاوت نسنجیده‌ای را داشته که مخصوص توده‌های نادان بوده و به این تعبیر معنای تحقیرآمیز «نظر عوام‌الناس» را به‌خود گرفته است. از سوی دیگر، به شناخت‌ها و روش‌های اشخاص خردمند بر می‌گشته است. لاک با تکیه بر شهرت، منزلت، نام و احترام صاحب نظر، آن را توصیف می‌کرد (لازار، ۱۳۸۰: ۵۴). کلمه عمومی «public»، به‌طور اساسی به معنی «از مردم» [هنگامی که به دسترسی مشترک اشاره می‌شود] و «برای مردم» [هنگامی که به خیر عمومی اشاره می‌شود] به‌کار گرفته می‌شد و البته، فقط بعدها این اصطلاح معنای «به‌وسیله مردم» را یافت که در این مفهوم منظور از مردم، مردم عادی است و امروزه همین معنا از واژه مدنظر است. به‌جز کاربرد افکار عمومی، گاهی از افکار عامه و افکار توده نیز استفاده می‌شود. مفهوم عموم در کاربردهای اولیه، معانی بسیار متعدد داشته است؛ عبارت لاتین «publics» به احتمال قوی از عبارت «populous» به معنی مردم مشتق شده است؛ اما در آن حداقل دو انعکاس مشخص از مردم در کاربردهای اولیه از کلمه عموم وجود داشته است. در یک مفهوم از اصطلاح، عموم، به دسترسی عام، مثلاً در یک مکان عمومی، باز می‌گشته است. به گفته هابرماس، اصطلاح «رس پوبلیکا»^۲ هر نوع مالکیت محسوب می‌شد که عموماً به روی مردم باز بود. در زمان فتودالی، مشترکات، به‌مثابه عموم مد نظر قرار می‌گرفت؛ زیرا دسترسی عام از سرچشمه و میدان بازار تأمین می‌شد. مفهوم بنیادی، همان باز بودن و در دسترس بودن است. شاید کاربرد عمده‌تر واژه عموم، در استناد به موضوعات مربوط به علایق عمومی و در حالت خاص‌تر در موضوعات اداری و دولتی تبلور می‌یافت. این معنای دوم اصطلاح، ارتباط اندکی با مفهوم دسترسی عمومی دارد و درعوض، به علایق عمومی^۳ یا خیر عمومی^۴ توجه می‌کند (پرایس، ۱۳۹۳: ۲۴ - ۲۶).

سیر تاریخی - تطبیقی شکل‌گیری افکار عمومی

افکار عمومی در قرن هجدهم پدید آمد؛ اما خود پدیده بسیار زودتر از این - معادل آنچه امروز «احساسات عمومی» خوانده می‌شود - در تاریخ به ثبت رسیده بود. قدمت و پیشینه افکار عمومی، ریشه در تولد و برپایی نخستین دولت‌ها و کنش‌های تبلیغاتی آن‌ها در عرصه زندگی سیاسی انسان دارد. در کشور یونان باستان، در شهرهای آتن و اسپارت، گفت‌وگوها و مباحثات عمومی آن دیار درباره حق مشارکت در زندگی سیاسی و در شکل هیئت‌های نمایندگی مثل کنفرانس عمومی و مجلس پانصد کرسی بیانگر مطلع بروز و ظهور افکار عمومی بود. گرد آمدن مردم در بازارها و میادین در تمدن قدیم روم و یا شرق باستان و تحت تأثیر افسون کلام و قدرت سخنوری و شیوایی بیان و افکار تکامل‌یافته سیاسی و یا آداب و تشریفات مذهبی قرار گرفتن، اداره و هدایت افکار عمومی بدوی و قبایل ابتدایی را نشان می‌دهد (لازار، ۱۳۸۰: ۳۶). در یونان افلاطون و ارسطو در نوشتارهای خود، آغاز پژوهش و بررسی پدیده افکار عمومی را با بیان التزام ایجاد دولت بر اساس دموکراسی، یعنی مشارکت مردم در حکومت و اطاعت از قانون، شکل دادند (رفیق سکری: ۱۳۷۰، ۱۴) آن‌ها، در افکار عمومی - که هنوز به این عنوان رواج نگرفته بود - مکانیسمی را می‌دیدند که مشروعیت در آن تضمین می‌شد (لازار، ۱۳۸۰: ۳۴). در ادبیات سیاسی اجتماعی کهن ایرانی و سپس ایرانی اسلامی نیز می‌توان این پدیده، یعنی توجه به چگونگی کسب مشروعیت نزد حکومت را مشاهده کرد. سیاست‌نامه‌ها یکی از حوزه‌های مهم فکری محسوب می‌شوند که در تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام توجه بسیاری به آن‌ها شده است و آثار زیادی هم در این مورد به رشته تحریر درآمده است. این نوشته‌ها که به اعتبار مشهورترین آن‌ها (سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک)، با عنوان سیاست‌نامه معروف‌اند، رساله‌هایی با نام‌های متنوعی مانند اندرزنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، ارشادنامه، نصیحه‌الملوک، آیین شاهي و... بوده‌اند که از سوی وزیران، فقیهان، فیلسوفان و گاهی عرفا و بزرگان صوفیه، خطاب به فرمانروایان نوشته می‌شدند. در این آثار صلاح و مصلحت زندگی و آداب معاشرت مردم با یکدیگر و به‌خصوص کیفیت رفتار حاکم یا فرمانروا با مردم را به بحث و بررسی گذاشته شده است. در دوره صفویه نیز ما شاهد پیدایش چنین متونی هستیم. با ظهور شاه اسماعیل صفوی و تأسیس حکومت صفویه، در ایران و ایجاد حکومتی متمرکز بر اساس عقاید شیعی، به سیاست‌نامه‌نویسی بار دیگر توجه شد. روضه‌الانوار عباسی ملا محمدباقر سبزواری، قواعد‌السلاطین سید محمد عبدالحسین علوی عاملی، رساله آیین شاهي ملا محسن فیض، رساله آداب و سلوک با رعیت علامه مجلسی و ... را می‌توان در این زمره به‌شمار آورد.

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

ملا محمد باقر سبزواری در باب ششم *روضه‌الانوار* با عنوان «در مراعات حقوق اقارب و ابعاد و مراعات جانب رعایا» در فصل هفتم این باب درباره حقوق رعایا بر سلاطین و مراعات حقوق زیردستان سخن به میان آورده است. در این فصل سبزواری با ذکر حدیثی از امام سجاد (ع) وظیفه حاکم نسبت به رعایا را رعایت عدل بیان می‌کند: «حق رعایا آن است که بدانی که ایشان رعیت تو شده‌اند به جهت ضعف ایشان و قوت تو. پس واجب است که عدل کنی در میان ایشان ...». وی در ادامه بیان می‌دارد: «و نباید دانست که مراعات حقوق رعیت تعدلت است و دست از ظلم و تعدی باز داشتن و دست ظالمان را از رعایا و زیردستان کوتاه کردن». سبزواری فلسفه وجود حاکم در میان مردم را تنفیذ و اجرای احکام شرعی و الهی به جهت حفظ قواعد اسلام و احقاق حقوق خواص و عوام، کوتاه کردن دست تعدی اقویا از ضعفا و ایجاد عدالت ذکر می‌کند (محقق سبزواری، ۱۳۷۷: ۴۴۷ - ۴۴۸). درباره سیاست‌نامه‌ها و متونی که درباره قواعد حکمرانی و سلوک حاکمان با رعیت در دوره صفوی نگاشته شده، می‌توان گفت که عمده آن‌ها متأثر از فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر در خصوص آداب ملک و تدبیر حکومت است.

در طول تاریخ حیطه اقتدار عمومی با اظهار رضایت‌ها و نارضایتی‌های مردمی خود در برابر وقایع، قدرت سلطنتی را قلقلک می‌داد. اگر در این زمان، سیاست کار ملت نبود، حذف آنچه مردمی می‌نمود، به دست خیلی‌ها انجام می‌گرفت. درواقع، ملت، حتی در نظر روشنفکران، به منزله دیوانه، عوام‌الناس و آتشی مزاج تلقی می‌شد. پس، چنین ملتی وجود داشت، شکوه می‌کرد و علیه دولت، شاه و تمام کسانی که فرمان می‌دادند، پیچ می‌کرد و در عین حال با دقت زیر نظر پلیس قرار داشت (لازار، ۱۳۸۰: ۵۰ - ۵۱). درواقع، این نکته که حکومت «خبرچینان» خود را در همه جا می‌گمارد، واقعیتی است که از این منظر، یعنی توجه به افکار عمومی باید به آن نگریست. این افراد کسانی بودند که مأموریت داشتند در بعضی اماکن عمومی گوش بایستند و هر چه را که در مورد شاه و اوضاع گفته می‌شد، جمع کنند. این موضوع ثابت می‌کند که توده مردم عادی درباره وقایع زمان خود نظراتی داشته‌اند، نظراتی که دستگاه حاکمه همواره به آن‌ها توجه داشته؛ ولی درستی و وجوه سیاسی آن‌ها را انکار می‌کرده است. پس باید گفت که این مردم حضور داشته‌اند، حضوری که نه تنها کوچک شمرده و قلع و قمع می‌شده؛ بلکه حرف‌های درگوشی آن‌ها و هر صدایی زیر مراقبت شدید قرار داشته؛ زیرا خبر به‌شمار می‌آمده است. همچنین، از جاسوسان برای کسب اطلاعاتی درباره چگونگی اداره قلمرو حاکمان نواحی داخلی و مرزی و چگونگی اداره صحیح شهرها بر پایه فرمان‌های شاه

بهره می‌بردند. برای نمونه، افرادی در همه شهرهای ایران به فرمان شاه صفی مأمور بودند که مراقب میزان نرخ ارزاق باشند و اگر حاکم شهر بدون رخصت گرفتن از شاه مالیاتی برای ارزاق از مردم می‌ستاند، این تغییر را به شاه گزارش می‌کردند. چنین گزارشی درباره حاکم قم به شاه رسید و او فرمان داد که آن حاکم را به بدترین شیوه شکنجه و سرش را از تنش جدا کنند (تاورنیه، ۱۳۸۲: ۲۸۲). شاه عباس (مشهورترین‌ترین پادشاه صفوی) دارای نظام خبرگیری کارآمدی بود و از راه‌های گوناگون به وضع پیرامون قلمرو خود آگاه می‌شد. او به واسطه نوکرانش از مسائل مردم آگاه بود و بدین وسیله از وضع دربار و شکایت‌ها درباره بزرگان، خبر می‌گرفت. او گاهی بار عام می‌داد و مردم کوچه و بازار را به حضورش می‌پذیرفت و از این طریق از رویدادهای کشور آگاه می‌شد. مردم همواره او را بر رفتار خودشان ناظر می‌دانستند و معتقد بودند که حتی کوچک‌ترین کاری از نظر وی دور نمی‌ماند و به همین سبب همواره در کارهای خود بسیار محتاطانه پیش می‌رفتند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۲۴ - ۳۲۵). شاه عباس می‌خواست از همه چیز و همه جا، آگاه باشد و از سویی به گزارش‌های درباریان خود بسی مطمئن نبود. از این رو، خودش با لباس مبدل در شهر می‌گشت و از مغازه‌ها چیزی می‌خرید تا مطمئن شود کسی کم‌فروشی نمی‌کند و در وزن و کیل تقلبی صورت نمی‌گیرد و یا دزدی و سرقت در بازار اتفاق نمی‌افتد (برادران شرلی، ۱۳۸۷: ۷۸ - ۷۹؛ دلاواله، ۱۳۸۴: ۳۹). نظارت پیوسته او بر رفتار مردم، از بنیادی‌ترین علل دوام حکومت و امنیت کشور در زمان او بود (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۲۵).

با همه این اوصاف، در این دوره وضعیت زندگی گروه‌های فرودست، به‌ویژه کشاورزان، تفاوت چندانی با دوران پیشین نداشت و به‌نظر برخی پژوهشگران، مردم روستایی و کشاورز همچنان به زمین وابسته شده بودند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۲۲۰؛ فلور، ۱۳۹۴: ۲۰۸). این وابستگی تاحدی بود که برخی از آن با عنوان «بردگی اقتصادی» یاد می‌کنند (پتروشفسکی، ۱۳۵۶: ۹ - ۴۱). هر چند این تعبیرها چندان دقیق نیست و نوعی تعمیم دادن اصطلاحات تاریخ اجتماعی اروپا به تاریخ ایران به‌شمار می‌آید؛ اما نوع نگاه حاکم بر ارتباط دولت و رعایا را نشان می‌دهد. در این نگاه، رعایا به دعاگویی و انجام رعیتی برای شاه موظف بودند و رعیت بودن خود را در قالب پرداخت انواع مختلف مالیات‌ها نشان می‌دادند. گستردگی انواع مالیات‌ها و رعیت بودن مردم و فشارهای اقتصادی بر آن‌ها سبب می‌شد که از دست عمال شاه به شاه شکایت کنند یا بر اساس برخی اسناد، از زمین‌های خود فرار کنند (ذبیحی، ۱۳۵۴: ۶/۲۰).

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

پیدایش زمینه‌های شکل‌گیری افکار عمومی در دوره صفویه

تبعیت و همراه کردن مردم با دولت، از دیرباز دغدغه اندیشمندان علم سیاست و مردان عمل سیاست بوده است. به گونه‌ای که حتی دیکتاتورترین حکومت‌ها به دنبال مشروع جلوه دادن اعمال خود هستند تا به این طریق با اقتناع افکار عمومی مردمان خود، توان اعمال قدرت را داشته باشند. اهمیت اقتناع و متقاعدسازی افکار عمومی به میزانی است که می‌توان آن را مهم‌ترین و یا یکی از مهم‌ترین اهدافی دانست که مشروعیت، این واژه پر مفهوم سیاسی به دنبال آن است. از این رو، بسیاری افکار عمومی را قدرت‌ناپیدایی دانسته‌اند که برای شهر، دربار و حتی قصر پادشاهان، قانون و رفتار وضع می‌کند. از منظر تاریخی در این پژوهش بر دوره صفویه تأکید شده است. دلیل انتخاب این دوره هم به دلیل هم‌زمانی تاریخی شکل‌گیری مفهومی نو از افکار عمومی در غرب و هم به دلیل شکل‌گیری یک حکومت مرکزی و - با تسامح - ملی در ایران این عصر است.

صفویان توانستند با غلبه بر مدعیان داخلی و حکومت‌های محلی، یک حکومت مرکزی در ایران ایجاد کنند. آن‌ها مانند همه فرمانروایان جهان اسلام، در دوره پیدایش و تکوین دولت‌های ملی به منطق سیاست جدید و الزامات آن بی‌اعتنا ماندند و در شرایطی که از دیدگاه تاریخ اندیشه در سده پانزدهم و نیمه نخست سده شانزدهم میلادی، نظریه‌پردازان بزرگی مانند اراسموس روتردامی، تامس مور، مارتین لوتر، ویتوریا و نیکولو ماکیاولی شالوده نظری استواری برای دوران جدید فراهم می‌آوردند، اهل نظر و فرمانروایان دنیای اسلام، به‌طور عمده، در اندیشه تجدید خلافت بودند. به دنبال فتح مصر و عربستان از سوی سلطان سلیم، خلافت اسمی بازماندگان عباسیان - که با سقوط بغداد به مصر پناهنده شده بودند - از میان رفت و خطبه به نام سلطان عثمانی خوانده شد. در ایران، شاه اسماعیل اول، هم‌زمان با تجدید خلافت در امپراتوری عثمانی، فرمانروایی خود را بر سراسر ایران بزرگ تثبیت کرد و با اعلام تشیع به منزله مذهب رسمی، حکومت مذهبی تشکیل داد. این حکومت مذهبی، در ظاهر سلطنت عمل می‌کرد؛ اما با ادعای تجدید نوعی از خلافت نیز بی‌ارتباط نبود و بدین‌سان دو وجه از خلافت - خلافت سنتی اهل سنت و جماعت که ادامه حکومت عباسیان بود و حکومت شیعی صفویان که با وجود شالوده متفاوت آن، از نظر قدرت سیاسی، وجهی از خلافت می‌توانست به‌شمار آید - از سویی، در برابر یکدیگر و از سوی دیگر در برابر قدرت‌های سیاسی دیگری - که اینک به قدرت‌های جهانی تبدیل شده بودند - به آرایش نیروهای خود پرداختند. بعد از قدرت‌یابی شاه اسماعیل می‌توان نشانه‌هایی از انسجام سیاسی

اجتماعی چون شکل‌گیری قدرت مرکزی و هویت ملی بر پایه ایدئولوژی مذهبی را در ایران مشاهده کرد که می‌توان از آن‌ها به مثابه اصول زیربنایی شکل‌گیری افکار عمومی در دوره مورد بحث نام برد. دامنه این پژوهش درباره تعریف افکار عمومی در دوره صفویه و چالش‌های پیش روی آن نیست. از این رو، در اینجا بهتر است منظور از کاربرد این واژه گسترش یافته مشخص شود. هر جامعه‌ای قبل از هر چیز عرصه یا قلمروی از حیات اجتماعی دارد که در آن می‌توان چیزی را در برخورد با افکار عمومی شکل داد. این عرصه را می‌توان حوزه عمومی یا مردمی نام نهاد. در این پژوهش، منظور از افکار عمومی، حوزه عموم یا مردمی است که در جامعه زندگی می‌کرده‌اند. چون حوزه عمومی بستری برای پیدایش و شکل‌گیری افکار عمومی است. لذا، در این نوشتار از نظریه حوزه عمومی هابرماس (۱۳۸۵: ۲۳ - ۲۵) برای بیان چگونگی شکل‌گیری حوزه عمومی در دوره صفویه و در پی آن ظهور نوعی افکار عمومی استفاده شده است. هابرماس تحلیل منظمی از مفهوم و کارکردهای حیطه قدرت عمومی، از رنسانس تا امروز، به دست داده است. به نظر وی اگر از بُعد جامعه‌شناختی، یعنی از نقطه نظر معیارهای نهادی نگاه شود، نمی‌توان ثابت کرد که در جامعه فئودالی قرون وسطی، حوزه عمومی به منزله قلمروی جدا از حوزه خصوصی وجود داشته است. با وجود این، اتفاقی نبود که در این دوران امور مربوط به پادشاه، مثل مهر شهریاری، «عمومی محسوب شده و پادشاه انگلستان دارای «عمومیت» باشد؛ زیرا پادشاهی چیزی بود که می‌باید به صورت عمومی بازنمایی می‌شد. «عمومیت مبتنی بر نمایندگی» یک قلمرو اجتماعی یا حوزه عمومی نبود؛ بلکه، شاید بتوان گفت، نوعی منزلت خاص بود. هنگامی که مقامات کلیسایی و غیرکلیسایی، شوالیه‌ها، اسقف‌ها و اهالی شهر دور و بر پادشاه جمع می‌شدند، این‌ها به هیچ روی مثل نمایندگان مجلس ملی نماینده مردم نبودند تا زمانی که پادشاه و املاک تحت سلطه او نماینده کشور نبودند؛ بلکه عین کشور بودند، می‌توانستند به گونه‌ای خاص آن را بازنمایی کنند. آن‌ها پادشاهی خود را نه از جانب مردم که در «در برابر» مردم باز می‌کنند. عمومیت مبتنی بر نمایندگی نوعی هاله تقدس برای قدرت فئودالی ایجاد می‌کرد و محل بازنمایی منزلت‌های اجتماعی بود. عوام‌الناس همواره به منزله بخش اساسی عمومیت مبتنی بر نمایندگی بودند که در عین حال طرد و حذف می‌شدند.

در دوره صفوی نیز می‌توان وضعیت حکومت سیاسی و رویکرد آن را نسبت به حوزه عمومی همین‌گونه توصیف کرد. نبود منازعات طبقاتی، استقلال دولت از جامعه و وجود سروران قدرتمند اجتماعی از قبیل روحانیان، حکمرانان محلی و سران طوایف در پیشینه

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

تاریخی این کشور از دلایل اصلی کاربرد این قیاس درباره جامعه ایران است. بخشی از دلایل خشکیده شدن هسته‌های اولیه حوزه عمومی در ایران ناشی از مصالحه و منازعه به جای گفت‌وگوی‌های آزاد در چنین ساخت اجتماعی بوده است. این شبکه‌های نیرومند اجتماعی مانع از تداوم گفت‌وگوهای اجتماعی و تسری آن به موضوعات سیاسی می‌شدند. تنها در عرصه سیاسی این گفت‌وگوها به صورت منازعه و یا چانه‌زنی درآمد و مردم از آن به دور انداخته شدند. مناسبات جامعه، در اصل مناسبات میان گروه‌ها و محافل بود و دربار خود به منزله نمونه‌ای کوچک از جامعه، از محافل و شبکه‌های درونی‌ای تشکیل شده بود که در عین رقابت با یکدیگر برای نفوذ و تأثیرگذاری بر نهاد قدرت، در برخی شرایط و به منظور حفظ منافع، با یکدیگر به همکاری می‌پرداختند. از جمله محافل تأثیرگذار در دربار ایران سستی می‌توان به محفل زنان حرمسرا، خواجگان، وزیران، فراش‌ها، خوانین و حکام و علمای نزدیک به دربار و سفرای خارجی اشاره کرد. از این رو، با وجود تشکیل حکومت متمرکز در دوره صفویه، ساخت شبکه‌ای جامعه دست‌نخورده باقی ماند و حتی به محفل‌گرایی سود رساند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۳۲).

هابرماس تاریخ تشکیل حیطه اقتدار عمومی شهری در فرانسه را پر شدن جای خالی عرصه‌ای که بتوان نام آن را جولانگاه افکار عمومی گذاشت با «جمعیت فرهیخته»‌ای که نهادهای آن کافه‌ها، سالن‌ها و محفل‌هاست، ذکر می‌کند. وی این جمعیت را پیشوا و پیشگام جمعیت سیاسی بر می‌شمارد. امری که تقریباً در ایران دوره صفویه شکل نگرفت. بر اساس گزارش سفرنامه‌نویسان و منابع ایرانی دوره صفوی، هسته‌های اولیه محافل اجتماعی در قهوه‌خانه‌ها شکل گرفت. حضور قشرها و صنف‌های گوناگون از جمله مختصات قهوه‌خانه‌های ایرانی در دوره استقرار پادشاهی صفوی بود. قهوه‌خانه‌ها محل تجمع آدم‌های اهل فضل و ادب و موسیقی یا در اصطلاح امروزی روشنفکران جامعه بوده و همه کس بدان راه نداشته است، به طوری که نصرآبادی در شرح حال خود بیان می‌کند: «... از غلط نهادان کج‌اندیشه کناره جسته در حلقه درست کیشان راست‌آیین درآمد و در قهوه‌خانه رحل اقامت انداختم» (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۴۶۰). گزارش خاصی از تسلط سروران قدرتمند اجتماعی در دوره صفویه بر این اماکن ارائه نشده است؛ اما از حضور شاه عباس در این مکان‌ها و آگاهی یافتن از فضای حاکم بر آنجا گزارش‌هایی ذکر شده است (کاتف، ۱۳۵۶: ۶۸). برای نمونه، می‌توان به حضور شاه عباس در یک قهوه‌خانه و پرسیدن شغل حاضران در آن اشاره کرد که فردی (ملاشکوهی) خود را شاعر معرفی و شاه از وی سرودن شعری را تقاضا می‌کند (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۲۳۹).

شاه عباس گاهی اوقات برای قدرانی از برخی شاعران و موسیقی‌دانان (مانند بنا کردن قهوه‌خانه و شراب‌خانه برای شمس تیشی شاعر و موسیقی‌دان) دستور ساخت قهوه‌خانه برای آن‌ها را می‌داده است (همان، ۱۴۷ - ۱۴۸). در این محافل طبقات مختلف مردم از اعیان رجال دربار و سران قزلباش تا شاعران و اهل قلم و نقاشان،^۹ برای گذراندن وقت و دیدار دوستان و سرگرم ساختن خود به بازی‌های مختلف یا مناظرات شاعرانه (همان، ۲۳۰)، تماشای رقص‌های گوناگون^۶ و بازی‌ها و تفریحات دیگر و شنیدن اشعار شاهنامه و حکایات و قصص به آنجا می‌رفتند. از کارکردهای اصلی قهوه‌خانه‌ها خواندن شعر، شاهنامه، متون تاریخی مانند حمزه‌نامه در قهوه‌خانه‌ها رواج داشت (همان، ۱۴۵، ۴۰۱). روایتی که اولثاریوس (۱۳۶۳: ۲۴۱) بیان می‌کند، رواج نقالی و حماسه‌سرایی در این اماکن را نشان می‌دهد:

در قهوه‌خانه مصرف‌کنندگان تنباکو و نوشندگان قهوه گرد می‌آیند. در سه قهوه‌خانه شهر شعرا و نقالان - که من خود آنان را میان محوطه بر صندلی بلندی نشسته دیدم و افسانه‌ها و داستان‌ها و شعرهای گوناگون آنان را شنیده‌ام - حضار را سرگرم می‌کنند. هنگام نقل داستان از چویدستی کوچکی برای ایجاد تخیل بیشتر در شنونده استفاده می‌کنند که این کار شباهت بسیاری به عمل شعبده‌بازان و تردستان دارد.

قصه‌خوانی و حماسه‌سرایی امری نبود که آزاد و نقالان مجاز به نقل هر قصه‌ای باشند؛ چون برخی از قصه‌ها مانند *ابومسلم‌نامه* از دوره پادشاهان اولیه صفویه، یعنی شاه اسماعیل و شاه طهماسب با تحریم و ممنوعیت روبه‌رو بودند:

بعد از مرگ شاه اسماعیل اول و به سلطنت رسیدن شاه طهماسب، تدابیر بسیاری در مقابله با قصه‌گویان *ابومسلم‌نامه* اتخاذ شد. شاه طهماسب مردم را از خواندن و شنیدن آن منع فرمود و دستور داد هر کس آن قصه را بخواند و نقل کند، زبانش را قطع کنند (حموی، ۱۳۶۳: ۱۴۱).

در تحلیل این ممنوعیت می‌توان گفت که با قدرت گرفتن علمای شیعه عرب در دوره صفوی و جهت‌گیری آن‌ها نسبت به فرهنگ رایج در این دوره، به تدریج تصوف تحت فشار قرار گرفتند، ابتدا محدود و سپس کنار زده شد. حرکت قصه‌خوانی نیز - که وابسته به دروایش بود - از سوی عالمان دین انکار شد و به‌ویژه در مورد *ابومسلم‌نامه‌ها* برخورد جدی‌تر صورت گرفت (جعفریان، ۱۳۷۸: ۱۲۹ - ۱۳۰)؛ اما نگاه واقع‌بینانه‌تر این است که ریشه این اختلاف را باید در تحولات داخلی عصر صفوی، یعنی جابه‌جایی قدرت قزلباشان با فقیهان دنبال کرد.

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

فقیهان نگرانی روزافزون خود را از حضور قزلباشان صوفی به‌وسیله مخالفت با *ابومسلم‌نامه* و درمقابل، قزلباشان نارضایتی خود را از فقیهان با تأیید روایت *ابومسلم‌نامه* اظهار می‌کردند؛ اما با وجود مواضع تند شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب و فقها در مورد *ابومسلم‌نامه* و نقالان آن، جریان *ابومسلم‌نامه* متوقف نشده است و برعکس افزایش یافت. این امر دلالت دارد بر اینکه طبقات فرودست، احساس نمی‌کردند که اشتباه می‌کنند و در محتوای متن داستان هیچ منافاتی با دینداری نمی‌دیدند؛ بلکه برعکس، آن را خدمتی به مذهب تصور می‌کردند. اختلاف بر سر *ابومسلم‌نامه* به یک بحث جدلی بدل شد و این نشان‌دهنده یک نوع از تعامل میان گروه‌های اجتماعی این دوره محسوب می‌شود که پیامدهای مهمی در شکل‌گیری افکار عمومی و جذب آنان به یک طرف داشت (زویری، ۱۳۸۲: ۱۷۹ - ۱۸۰). در دروه‌های بعد سعی در جایگزین کردن این قصه‌ها یا حماسه‌سرایی درباره اقدامات پادشاهان صفوی شد. روایتی که کارری می‌آورد در همین راستاست:

خسته و کوفته از گشت بازار خود را به قهوه‌خانه‌ای رساندیم و با صرف قلیان منتظر فرا رسیدن ساعت تاج‌گذاری شدیم. در این اثنا ملائی بدون لباس و عمامه شروع به ذکر فضائل و فتوحات شاه عباس بزرگ و شاه صفی کرد و تا سرحد غلو و اغراق پیش رفت، گاهی چون دیوانه داد می‌زد و گاهی چون جانور زوزه می‌کشید و تا می‌خواست سخن از فتوحات نظامی بگوید مستمعان به‌شدت کف می‌زدند. این حماسه‌سرایی دو ساعت طول کشید و حاضران هر یک یکی دو کارابل - پول سیاه، پشیز - به وی دادند و او با دو عباسی درآمد به منزل خود بازگشت (۱۳۴۸: ۱۱۱).

اجتماع مردم در این قهوه‌خانه‌ها به‌حدی بوده است که آن‌ها را از قبل مجبور به تدارک جا و مکان می‌کرده است. شعر فخرالزمانی در تذکره میخانه خود بهتر گویای این وضعیت است:

بیا به قهوه زینا رویم صیدی زود که یک زمان دگر جای شاه پیدا نیست
(۱۳۶۳: ۸۰۸)

فضای عمومی شکل‌گرفته در این اماکن، فرصتی برای گفت‌وگو و بحث آزاد درباره مسائل مختلف ایجاد کرده بود. شاردن درباره آزادی مباحث در قهوه‌خانه‌های دوره صفوی این‌گونه می‌نویسد:

قهوه‌خانه محلی است که در آن جمعیت کثیری از طبقات مختلف مردم گرد می‌آیند... درب قهوه‌خانه‌ها از صبح پگاه تا شب به روی همگان باز است.

مخصوصاً هنگام غروب پر از جمعیت می‌باشد. در قهوه‌خانه مردم چای می‌نوشند. با یکدیگر به گرمی و خوش‌رویی سخن می‌گویند. در اینجا است که هرکس صاحب‌خبر است و همه می‌توانند بی‌ترس و بیم درباره سیاست به آزادی صحبت بدارند. هیئت حاکمه نیز متقابلاً به آنچه در قهوه‌خانه‌ها بر زبان مردم می‌رود، توجه و اعتنا نمی‌کنند. در قهوه‌خانه‌ها مردم خود را به بازی‌های مجاز و سرگرم‌کننده نظیر شطرنج و نرد مشغول می‌دارند. افزون بر این‌ها ملایان، درویشان، شاعران نیز به‌نوبت خود در قهوه‌خانه‌ها میدان‌داری می‌کنند. سخنان ملایان و درویشان همچنان که در کشور ما جریان دارد متضمن اندرزهای اخلاقی است؛ ولی هیچ‌کس ناچار نیست بدان‌ها گوش فرادهد و هیچ داستان‌پردازی حق ندارد هیچ‌یک از بازی‌کنان را به ترک بازی و شنیدن داستان مجبور کند... فی‌الجمله دامنه آزادی در این مراکز اجتماع چندان گسترده است که همانند آن در هیچ نقطه دنیا وجود ندارد. هرکس هر چه دلش می‌خواهد می‌گوید و هرکس به سخن هر که مایل است گوش فرا می‌دهد... (۱۳۷۲: ۲/ ۸۴۵).

این وضعیت دوام چندانی پیدا نکرد و حکومت با مشاهده توجه مردم به برخی مسائل مانند عملکرد ساختار قدرت، ناچار به تغییر رویه و اعمال محدودیت می‌شود. تاورنیه که در دوره شاه سلیمان به ایران سفر کرده است، اولین نشانه‌های وجود موانع بر سر راه فعالیت آزادانه قهوه‌خانه‌ها را گزارش کرده است. وی درباره تمهید هوشمندانه شاه عباس برای جلوگیری از توطئه‌های ناشی از گفت‌وگوهای سیاسی در قهوه‌خانه‌ها می‌نویسد:

شاه عباس بزرگ که پادشاهی هوشمند بوده، مشاهده می‌کند که این اتاق‌ها محلی برای گردهمایی جهت اداره امور دولتی شده است و این شاه را خوش نمی‌آمد، در نتیجه، برای دور نگاه داشتن دربار از دسیسه‌ها و توطئه‌هایی که ممکن بود از این گونه مجمع‌ها به وجود آید، درصدد یافتن تمهیدی برآمد و دستور داد که هر روز صبح قبل از اینکه کسی به این اتاق آمده باشد، ملایی در آنجا حضور یابد و درباره احکام و همچنین، تاریخ شعر و شاعری صحبت کند. این رسم همچنان ادامه دارد و پس از آنکه دو سه ساعت بدین نحو گذشت. ملا در حالی که بر می‌خیزد، با صدای بلند به همه کسانی که در اتاق حضور دارند اعلام می‌کند به سلامت هر کس برخیزد و برود سر کار خودش (۱۳۸۲: ۶۲ - ۶۳).

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

در دوره صفوی حکومت علاوه بر توجه به قهوه‌خانه به‌منزله محلی برای شکل‌گیری افکار عمومی و لزوم توجه به آن، از دو مکان عمده دیگر، یعنی مسجد و میدان‌های اصلی شهرها را برای بازنمایی قدرت و اتخاذ رویکردهای خود نسبت به افکار عمومی استفاده می‌کرد. میدان یک از مکان‌هایی بود که حکومت برای نمایش قدرت خود نزد افکار عمومی با برگزاری مراسمی چون برگزاری جشن‌ها، اجرای نمایش‌های مختلف و حتی نقالی از سوی درویشان (کاتف، ۱۳۵۶: ۶۷) استفاده می‌کرد. می‌کله ممبره سفیر و نیز در ایران دوره صفوی درباره میدان شهر تبریز این‌گونه می‌نویسد:

در میدان شماری از شعبده‌بازان ایرانی روی قالی می‌نشینند. آن‌ها مقواهای درازی را با تصویر پیکره‌ها در دست دارند و با یک چویدستی به هر یک از پیکره‌ها اشاره می‌کنند و داستان‌هایی را درباره هر یک از آن‌ها باز می‌گویند... افراد دیگری نیز هستند که کتابی در دست دارند و نبردهای علی^(ع) و شاهزادگان باستانی و شاه اسماعیل را برای مردم می‌خوانند و از مستمعان پول می‌گیرند. شماری دیگر که تیرایان نامیده می‌شوند، از عثمانیان بد می‌گویند (۵۲: ۱۹۹۳).

مجازات افراد خطاکار در میدان، برای توجه افکار عمومی نسبت به عاقبت مخالفت با حکومت و نیز ظلم و ستم به مردم جنبه دیگر کارکرد میدان بود. نمونه‌هایی از مجازات افراد به‌دلایل مختلف چون شورش و یاغی شدن علیه حکومت و نیز ظلم و ستم به مردم در منابع این دوره ذکر شده است: مجازات مظفرالسلطان در درون قفس آهنین و آتش زدن آن در میدان صاحب آباد تبریز (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۳۳)، مجازات خواجه کلان (انداختن وی از منار میدان صاحب‌آباد) به‌دلیل ظلم و ستم در ولایت خراسان (همان، ۱۴۵) و شورش غریب شاه و سرکوب و دستگیری و مجازات آن در میدان نقش‌جهان (شاملو، ۱۳۷۱: ۲۱۰).

مهم‌ترین مکانی که در این دوره از آغاز کار صفویان تا پایان یافتن این سلسله برای رویارویی با افکار عمومی مورد توجه حکومت بود، مسجد است. مسجد، به‌منزله مهم‌ترین بنای مذهبی و فرهنگی و میراث باقی‌مانده از تمدن اسلامی، در عصر صفویه کارکردهای اساسی و متفاوتی داشته است. شاه اسماعیل (۹۰۷ ق) نخستین‌بار در مسجد تبریز حضور یافت و با دستور به خواندن خطبه به‌نام ائمه اثنی‌عشری پذیرش مذهب شیعه به‌منزله دین رسمی را در برابر مردم اعلام کرد (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۹: ۱۴۷ - ۱۴۸؛ عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۶۴ - ۶۵؛ جناب‌دی، ۱۳۷۸: ۱۵۴). حتی دشمن شاه اسماعیل، یعنی سلطان سلیم عثمانی پس از پیروزی بر شاه اسماعیل در جنگ چادران، اولین مکان را برای جلب توجه افکار عمومی

نسبت به خود مسجد حسن پادشاه در تبریز (مسجد نصریه) انتخاب کرد (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۵۰: ۵۰۲؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). شاه اسماعیل نیز در زمان پیروزی بر اذربکان و حضور در هرات، مسجد جامع آنجا را برای رویه‌رو شدن با مردم و خطبه خواندن انتخاب کرد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۹۹). همچنین، مساجد به‌منزله مکانی برای خطبه خواندن به‌نام پادشاه جدید در این دوره بوده است (خواجه اصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۹). این امر نشان می‌دهد که مساجد به‌منزله یکی از مهم‌ترین کانون‌های تجمع مردم در طول تاریخ ایران عصر صفوی همواره مورد توجه حکومت بوده است. حکومت برای اعلان فرمان‌ها و قانون‌هایی که مخاطب آن‌ها رعایای ممالک محروسه (مردم) بوده‌اند، پس از فرستاده شدن به شهرهای مورد نظر، دستور می‌داد به‌شکل کتیبه در اماکن عمومی مهم مانند مساجد نصب کنند و بخوانند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۲۸۷). حکومت برای انتقال این دستورات و قوانین و نیز آگاهی بخشیدن افکار عموم مردم تحت تابعیت خود، از کتیبه‌ها به‌منزله یک رسانه ارتباطی با آن‌ها استفاده می‌کرده است. برای نمونه، می‌توان به گزارش منشی قمی در خلاصه‌التواریخ درباره دستور درج فرمان شاه طهماسب درباره بخشودگی مالیات و ... در کتیبه‌ها اشاره کرد:

...و درین باب پروانجات مؤکد به لعنت‌نامه نوشته به اطراف و اعظم بلاد فرستاده امر فرمودند که بر سنگ نقش نمایند... مبلغ‌های کلیه از وجوهات تابعه مال و خراج که از قدیم‌الایام تا پیش ازین به چند سال داخل ابواب‌المال شده بود و عجز بیچاره از آن ممر پایمال عمال بودند تصدق فرموده مال اصناف و محترفه اکثر بلاد را مؤکد به لعنت‌نامه بخشیدند و مبلغی دیگر از مال وجوه منہیات چون شراب‌خانه و قمارخانه و امثال ذلک مسدود فرمودند و سال‌هاست که رفع و منع آن به درع شده (۱۳۸۳: ۴۴۹ - ۴۵۰).

نکته گفتنی در اینجا این است که مطالب موجود در کتیبه‌های حکومتی تا اندازه بسیار بیش‌تری در مقایسه با کتاب‌های تاریخ رسمی، درای واقعیت هستند. به استثنای نمونه‌هایی که دربرگیرنده فتح‌نامه‌ها و گستره قلمرو و مانند آن است و عنصر اغراق می‌تواند در آن راه یافته باشد، دیگر کتیبه‌های دولتی که حالت فرمان به مردم یا والیان شهرها و ایالات دارند تا اندازه بسیاری با واقعیت انطباق دارند. چه این‌گونه کتیبه‌ها حالت سندی داشت و قرار بود عمل حکومت و مردم بر پایه آن تنظیم شود. اصولاً مضمون این کتیبه‌ها پیش از آنکه بر سنگ نبشته شود، به‌صورت سندی کاغذی صادر و به حاکم ایالت یا شهر دستور داده می‌شد تا عین متن سند بر سنگ نقش و در محل عبور مردم به‌ویژه در مسجد جامع نصب شود (صادقی، ۱۳۹۶:

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

۱۱) این کتیبه‌ها، علاوه بر کارکرد زینتی خود، به‌منزله رسانه‌هایی پیام‌رسان، بر افکار عمومی جامعه تأثیر گذاشته است و نقش مهمی در ترویج و تبلیغ بایسته‌ها و نبایسته‌های حکومت نسبت به مردم از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کرد. این کتیبه‌ها شامل دستورات صادرشده از سوی شاهان این سلسله در راستای رفع پاره‌ای از مشکلات و معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران عصر صفوی است که در دسته‌بندی‌ای که آورده می‌شود، برخی از آن‌ها را می‌توان مورد توجه قرار داد:

رویکرد اجتماعی - فرهنگی

برانداختن مراکز فساد و فحشا، برخی تفریحات و سرگرمی‌ها: منظور از مراکز فساد و فحشا، اماکنی غیر اخلاقی‌اند که بر اساس تواریخ عصر صفوی در بیش‌تر شهرهای ایران وجود داشت. بر اساس این فرامین وجود چنین مراکزی نکوهش شده و فرمان شاه مستقیماً در جهت براندازی این اماکن و جلوگیری از واریز شدن مبالغ مالیات آن‌ها به خزانه دولت صادر ده است. البته، در دو فرمان که در مسجد میرعماد کاشان نصب شده‌اند به مبارزه فراگیر (در کل کشور) علیه این‌گونه مراکز امر شده است.^۷

ممنوعیت رسم دشوار خانه نزول: این رسم ظاهراً چنان بوده است که مأموران دولتی، چه آنان که هنگام سفر از شهر یا روستایی می‌گذشتند و چه آنان که به مناسبت پیشه دیوانی یا سپاهی خود در شهری کار می‌کردند، محل سکونت و گویا گاهی محل کار خود (دیوانیان) را در خانه‌های مردم قرار می‌دادند. روشن است که حضور این مهمانان ناخوانده چه اندازه از سختی و رنج را بر ساکنان خانه روا می‌داشت. بنابراین، گاهی برخی از فرمانروایان، به انگیزه-های گوناگون این بار گران را که گاه رسماً در ردیف مالیات نام آن می‌آمد، از دوش مردم بر می‌داشتند (همان، ۱۶). چنین فرامینی می‌باید پس از گسترش این‌گونه اقدامات و اعتراض و شکایات عموم مردم به حکومت صادر شده باشد.^۸

رفع بدعت‌ها و ستم از عملکرد مشاغل مربوط به طبقات فرودست: منع ایجاد مزاحمت و دخالت در عملکرد برخی از مشاغل مردم فرودست جامعه و رفع بدعت‌ها و ستم‌های وارده به آنان ازجمله مواردی است که در برخی کتیبه‌ها به آن توجه شده است.^۹

رویکرد اقتصادی

بخشودگی‌های مالیات: یکی از مهم‌ترین موضوع‌های رایج در سنگ‌نبشته‌ها که کاملاً با تاریخ مردم گره خورده، مسائل مربوط به مالیات‌ها، به‌ویژه بخشش‌های مالیاتی دولت برای

مردم است. این بخش از کتیبه‌ها را می‌توان پرشمارترین در نوع خود دانست. در آن‌ها آگاهی‌های گران‌بها درباره‌ی گونه‌های مالیات، بخشش‌های آن، مشاغل مرتبط با آن، گروه‌ها و پیشه‌های مردم و بسیاری اطلاعات سیاسی - اجتماعی یافت می‌شود. تاریخ مردمان بسیار فرودست نیز، هر چند نه به فراوانی، گاهی در این گونه از کتیبه‌ها بازتابی دارد؛ از جمله آنجا که در فرمان‌های مندرج بر کتیبه‌ها مالیات آن‌ها بخشوده شده است.^{۱۰} (همان، ۱۲).

منع وصول باج و خراج از مردم: (فرمان شاه اسماعیل اول مورخ ۹۱۱ هجری به خط ثلث برجسته در مسجد جامع اصفهان و فرمان شاه طهماسب اول مورخ ۹۳۲ هجری به خط نستعلیق در مسجد میر عماد کاشان).

علاوه بر این، حکومت در موارد دیگری نیز ناچار به جلب توجه افکار عمومی نسبت به خود بوده است که مهم‌ترین آن‌ها کسب مشروعیت و مقبولیت بوده است. با تکیه بر زور و شمشیر به‌جای استفاده از عناصر مشروعیت‌بخش مانند عناصر ملی و مذهبی، نمی‌توانست در بلندمدت اطاعت رعایا و پیشگیری از شورش‌ها را تضمین کند. بنابراین، حاکمان ناچار به پذیرش شرایط اجتماعی - مذهبی موجود و تطابق خود با آن بودند. شاهان صفوی از تمام عواملی که در اختیار داشتند، برای تعمیم و توسعه این سیاست استفاده کردند. یکی از این سیاست‌ها رواج و نشر کتاب‌های داستانی و تاریخی با مضمون‌های دینی و حماسی بود. اولئاریوس در سفرنامه خود درباره‌ی موضوع نشر کتاب‌های تاریخی و مذهبی این‌چنین می‌نویسد: ایرانی‌ها کتب داستانی و تاریخی در اختیار دارند که مهم‌تر از همه آثاری است که درباره‌ی زندگانی و شهادت حضرت علی^(ع) و فرزند ایشان امام حسین^(ع) نوشته شده است. در نوشتن این نوع کتاب‌ها هم از فن خطابت بهره برده‌اند. کتب دیگر تاریخی، دینی و داستانی و روزشمارهای تاریخی نیز دارند که درباره‌ی جنگ‌های پادشاهان، حکومت آنان و نیز عملیات پهلوانان بیگانه و تاریخ سایر ملل و اقوام نوشته شده است (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۳۰۵ - ۳۰۶). علاوه بر اقدام به تألیف و تدوین کتاب، برای کنترل کردن افکار عمومی در سطح روستاها و مناطق دور از پایتخت نیز، از دوره شاه طهماسب حکومت اقدام به فرستادن وعاظ کرد. در سال ۹۷۶ ق احکامی از جانب شاه طهماسب خطاب به علمای دینی صادر شد که در کل کشور باید مجالس وعظ برقرار شوند و به موعظه مردم بپردازند؛ زیرا مردم نباید از وعظ و پند خالی باشند. «احکام مطاعه به علمای اعلام... صدور یافت که در ممالک محروسه مجالس وعظ منعقد ساخته به موعظه خلائق اقدام فرمایند. علی‌الخصوص جمعات و جماعات باید که از وعظ خالی نباشد...» (نویدی شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۳۱). در دوره آغازین حکومت صفوی، یعنی

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

دوره شاه طهماسب، چون کتاب‌های فقه و حدیث مذهب شیعه در بازار کمیاب بود و مردم نیز برای آگاهی از اصول و قوانین این مذهب نیازمند منابعی برای رجوع بودند، جلد اول کتاب *قواعد الاسلام* شیخ جمال‌الدین مطهر حلی را به‌منزله مرجع انتخاب و رواج دادند (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۲۳). همچنین، در دوره شاه عباس دوم به دستور وی شرح کتاب *کافی* کلینی به فارسی از سوی مولانا خلیل‌الله قزوینی و نیز شرح *من لایحضره الفقیه* از سوی محمد تقی مجلسی برای آگاهی و استفاده تمام مردم ایران از منابع فقه شیعی به رشته تحریر در آمد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۱۸۴ - ۱۸۵).

نتیجه

افکار عمومی هر چند پدیده‌ای کهن است؛ اما مصطلح شدن آن به این نام و سپس بررسی علمی آن در دوران معاصر اتفاق افتاده است و در روزگاران پیشین به‌صورت علمی امروزی رایج و مورد نظر نبود؛ اما نفس واژه افکار عمومی که بر مبنای وجود عامه مردم شکل می‌گیرد، همیشه در جامعه ایران وجود داشته است. در آغاز سده دهم هجری / شانزدهم میلادی صفویان توانستند با غلبه بر مدعیان داخلی و حکومت‌های محلی، یک حکومت مرکزی در ایران ایجاد کنند. در این دوره، بعد از قدرت‌یابی شاه اسماعیل می‌توان نشانه‌هایی از انسجام سیاسی - اجتماعی، چون شکل‌گیری قدرت مرکزی، حاکمیت ملی و هویت ملی بر پایه ایدئولوژی مذهبی را در ایران مشاهده کرد که می‌توان از آن‌ها به‌مثابه اصول زیربنایی شکل‌گیری افکار عمومی نام برد. در دوره صفویه هم‌زمان با غرب، زمینه‌های پیدایش افکار عمومی دیده می‌شود که مسیر تداوم و سیر آن به‌دلیل اوضاع تاریخی، سیاسی و اجتماعی متفاوت بوده است. محافلی مانند قهوه‌خانه‌های ایرانی از طریق تعامل طبقات مختلف و دربار شکل گرفتند. هر چند پادشاهان صفوی در گسترش قهوه‌خانه‌ها نقش داشتند؛ اما با مشاهده شکل گرفتن محافلی برای مردم درباره صحبت کردن، درباره سیاست و عملکرد حکومت، ناچار به ایجاد محدودیت‌هایی در این زمینه شدند و تلاش کردند تا از شکل‌گیری افکار عمومی انتقادی نسبت به ساختار سیاسی خود جلوگیری کنند. در دوران صفوی علاوه بر قهوه‌خانه‌ها دو مکان دیگر، یعنی میدان‌ها و مساجد نیز در برخورد با افکار عمومی جامعه مورد توجه حکومت قرار داشت. در این اماکن حکومت علاوه بر نمایش و بازنمایی قدرت خود برای کنترل افکار عمومی، رویکردها و قوانین خود برای انتظام بخشیدن به اجتماع را نیز بیان می‌کرد. نمونه‌های آن کتیبه‌های نصب‌شده در مساجد است که در زمینه‌های اجتماعی و

اقتصادی مانند بخشودگی مالیاتی، مبارزه با فساد و فحشا، منع شراب‌خواری و مصرف مواد مخدر و مسکرات، جلوگیری از تعدی حاکمان و مأموران دولتی بر مردم، جلوگیری از لُهو- ولعب، حمایت از برخی طبقات اجتماعی به‌ویژه اقشار ضعیف و پایین‌دست جامعه و ... به افکار عمومی توجه کرده است.

پی‌نوشت‌ها

1. public opinion
2. respublica
3. common interest
4. common good

۵. در تذکره نصرآبادی فراوان به حضور این قبیل افراد اشاره شده است. برای مثال، رجوع کنید به صفحه‌های ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۰۸، ۳۱۳، ۳۸۸، ۴۶۰.

۶. برای نمونه، می‌توان به گزارش دلاواله (۱۳۴۸: ۷۲) اشاره کرد: «... در اماکن عمومی به‌خصوص قهوه‌خانه‌ها هنگام شب، جوانانی [حضور دارند] که صلاحیت اخلاقی آنان مورد تردید است و حرفه آن‌ها رقص در اماکن عمومی و قهوه‌خانه‌ها و سرگرم کردن مردم، با بازی و مسخرگی است...». نکته مهم در اینجا این است که شاه عباس بر این اماکن نظارت دقیق داشته است، طوری که با مشاهده جلوه‌گری پسران نوباوه زیباروی در قهوه‌خانه‌ها و تحریک جوانان به شهوت‌رانی خلاف دین و مصالح اجتماعی و عواقب بسیار بد آن، دستور داد حضور بچه‌های خوشگل در قهوه‌خانه‌ها و دیگر مجامع عمومی به جد منع و مرتکبین به مرگ محکوم شوند (شاردن، ۱۳۷۲: ۲/ ۱۵۰۱).

۷. فرمان شاه طهماسب اول مورخ ۹۴۱ق به خط نستعلیق در مسجد میر عماد کاشان. موضوع فرمان در مورد برانداختن شراب‌خانه‌ها و قمارخانه‌ها، کبوتربازی و مراکز فساد و فحشا، منع ریش تراشیدن، طنبور زدن و باز داشتن پسران جوان از خدمت در حمام‌ها و فرمان شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۰۶ق به خط نستعلیق در مسجد میر عماد کاشان. موضوع این فرمان در مورد ممنوعیت قماربازی و شطرنج، برانداختن فاحشه‌خانه‌ها و قمارخانه‌ها و فروش مواد مخدر و مسکرات، منع اهالی و اوباش از کبوترپرانی و گرگ‌دوانی

۸. فرمان شاه سلطان حسین مورخ ۱۱۱۵ق در مسجد جامع یزد. فرمانی فاقد تاریخ و نام صادر کننده به خط ثلث در مسجد جامع اصفهان با موضوع ممنوعیت نزول وابسگان و مستخدمان حکومتی در خانه مردم.

۹. فرمان شاه طهماسب به سال ۹۸۱ق بر سر در مسجد میر عماد کاشان در ارتباط با عملکرد صابون خانه‌های کاشان.

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

۱۰. فرمان شاه طهماسب اول مورخ ۹۶۹ق به خط نسخ در شبستان مسجد شاه طهماسب یزد، فرمان شاه طهماسب اول مورخ ۹۷۹ق به خط نستعلیق در مسجد میر عماد کاشان، دو فرمان شاه طهماسب فاقد تاریخ به خط ثلث برجسته در مسجد جامع اصفهان، فرمان‌های شاه عباس اول مورخ ۹۹۹ق و ۱۰۰۲ق به خط نستعلیق در مسجد میر عماد کاشان، فرمان شاه عباس اول مورخ ۱۰۳۵ق به خط نستعلیق در مسجد امام اصفهان، فرمان شاه عباس مورخ ۱۰۳۷ق به خط نستعلیق در مسجد ذوالفقار اصفهان و فرمان‌های شاه صفی به تاریخ ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ق که به خط نسخ حجاری و نستعلیق در مسجد جامع یزد.

منابع

- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳). *نقاوه‌الانوار فی ذکرالانخار*. به اهتمام احسان اشراقی. تهران: علمی و فرهنگی.
- اولناریوس، آدام (۱۳۸۵). *سفرنامه آدام اولناریوس*. ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی. ترجمه از متن آلمانی و حواشی احمد بهپور. تهران: ابتکار نو.
- پتروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۵۶). *سه مقاله درباره بردگی*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: امیرکبیر.
- پرایس، وینسنت (۱۳۹۳). *افکار عمومی*. کارگزار روابط عمومی. تهران.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۲). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه حمید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۸). *قصه‌خوانان در تاریخ اسلام و ایران*. تهران: دلیل.
- جملی کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*. ترجمه عباس نججوانی.
- عبدالعلی کارنگ. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- جنابادی، میرزا بیگ حسن (۱۳۷۸). *روضه‌الصفویه*. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- جهانگشای خاقان (۱۳۶۹). *مقدمه و پیوست الله دتا مضطر*. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- حسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). *تاریخ ایلیچی نظام شاه*. تصحیح، تحشیه و اضافات محمدرضا نصیری، کوئیچی هانهدا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حموی، محمد بن اسحاق (۱۳۶۳). *انیس‌المؤمنین*. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: بعثت.
- خواجهگی اصفهانی، محمد معصوم (۱۳۶۸). *خلاصه‌السیر؛ تاریخ روزگار شاه صفی صفوی*. تهران: علمی.

- شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شاملو، ولی قلی بن داودقلی (۱۳۷۱). *قصص الخاقانی*. تصحیح سید حسن سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شرلی، آنتونی (۱۳۸۷). *سفرنامه برادران شرلی*. تصحیح علی دهباشی. تهران: نگاه.
- صادقی، مقصودعلی (۱۳۹۶). «جایگاه سنگ نبشته‌های ایران دوران اسلامی در پژوهش تاریخ مردمان فرودست». *تاریخ مردم*. ش ۴ و ۵.
- دلاواله، پیترو (۱۳۸۴). *سفرنامه پیترو دلاواله*. تهران: شرکت علمی فرهنگی.
- ذبیحی، مسیح و منوچهر ستوده (۱۳۵۴). *از آستارا تا استرآباد (شامل اسناد تاریخی گرگان)*. ج ۶. تهران: انجمن آثار ملی.
- رفیق سکری (۱۳۷۰). *افکار عمومی، تبلیغ و آوازه‌گری*. ترجمه حسین کرمی. تهران: همراه.
- زویری، محبوب (۱۳۸۱). *ابومسلم‌نامه و نقش اجتماعی آن در تاریخ اجتماعی عصر صفوی*. تهران: بقیعه.
- فخرالزمانی قزوینی، ملاعبدالنبی (۱۳۶۳). *تذکره میخانه*. به‌کوشش احمد گلچین معانی. تهران: اقبال.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه دن گارسی دسیلوا فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نو.
- فلور، ویلم (۱۳۹۴). *تاریخچه مالی - مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه*. ترجمه مرتضی کاظمی یزدی. تهران: تاریخ ایران.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۶). *سفرنامه کاتف*. ترجمه محمدصادق همایون فرد. ویرایش عبدالعلی سیاوشی. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر به ایران*. تهران: خوارزمی.
- *عالم آرای صفوی* (۱۳۵۰). به‌کوشش یدالله شکری. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لازار، ژودیت (۱۳۸۰). *افکار عمومی*. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی.
- لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۲). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.
- محقق سبزواری، محمدباقر (۱۳۷۷). *روضه‌الانوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)*. تهران: آینه میراث.

مطالعه تطبیقی شکل‌گیری نوعی افکار عمومی در دوره صفویه ————— علیرضا کریمی و همکاران

- منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصه‌التواریخ*. به‌کوشش احسان اشراقی. تهران: مؤسسه و چاپ دانشگاه تهران.
- نصرآبادی اصفهانی، میرزا محمدطاهر (۱۳۱۷). *تذکره نصرآبادی*. تصحیح وحید دستگردی. تهران: چاپخانه ارمغان.
- نویدی شیرازی، خواجه زین‌العابدین علی (عبدی بیگ) (۱۳۶۹). *تکلمه‌الانخبار*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوائی. تهران: نشرنی.
- واله اصفهانی، محمد یوسف بن حسین (۱۳۷۲). *خلدبرین*. به‌کوشش میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی.
- وحید قزوینی، محمدطاهر (۱۳۲۹). *عباسنامه*. تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان. اراک: کتابفروشی داودی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۵). *دگرگونی ساختار حوزه عمومی؛ کاوشی در باب جامعه بورژوازی*. ترجمه جمال محمدی. تهران: افکار.

Membre, m. (1993). *Mission to the Lord Sophy of Persia (539-4۲)*. □□□□□□.

A Comparative Study of the Formation Some kind of public opinion in the Safavid Period

Alireza Karimi^۱, Maghsod Ali Sadeghi^۲, Ali Manoochehri^۳

Abstract

The public opinion is a modern conception of the Enlightenment and beyond. this concept, although in its current sense, it was not until the Enlightenment and is not subject to scientific research, but before that also existed and has multifaceted applications. The Prevalence of this conception and its subsequent scientific review arise from the core of Western societies in the 18 and 19 centuries. And its application to the Iranian society in the 15th and 16th centuries may be far from reality and contrary to the conditions of that period of Iranian historical life. But with a little reflection on this concept Along with its meaning and application in the life of European Societies It can be seen in the preceding Iranian history, including Iran during the Safavid era. From the historical point of view, this paper focuses on Safavid era. After the power of Shah Ismail, one can see signs of social political cohesion such as the formation of central power and national identity based on religious ideology in Iran which can be called the basic principles of the formation of public opinion. This article is intended to mean public opinion, the public domain or people living in the community. This research is based on a descriptive-analytical method based on library resources to study the fields of formation of public opinion and public domain during the Safavid period. From the perspective of this research, in the social context of the Safavid period, with the advent of coffee houses, circles formed to form a kind of public opinion. In addition, the Safavid government displayed and represented its power to attract public attention in places like squares and mosques.

Keywords: public opinion, public sphere, Safavid, people, government.

^۱Associate Professor of the History Department of Tabriz University

^۲Associate Professor of the History Department of Tarbiat Modares University

^۳ Ph. D student of Tabriz university